

جانشین کردن نام گیاه خرزهره:

دکتر محمد جواد میمندی نژاد

داده شد.

زبان پرمایه فارسی از لحاظ پاره ای از رشته های دانش امروزی غنی است و از نظر برخی دیگر آنها ضعیف. گیاه شناسی را می توان از دسته دوم به حساب آورد، زیرا که بسیاری از گیاهان ایران که مصرف دارویی، صنعتی، تغذیه انسان و دام داشته یا به دلیل زهراگینی، انگلی و بیماری زایی برای زندگی انسان و دام یا دیگر گیاهان زیان آور بوده اند، دارای نام ویژه هستند.

هیچ زبانی چه زنده و چه مرده نمی تواند ادعا کند که برای هرگونه از گیاهان ساکن بوم مردمی که به آن تکلم می کنند، یک نام و فقط یک نام دارد، زیرا که بسیاری از آنها اصلاً نامی ندارند، پاره ای چند نام دارند و در برخی موارد، یک نام به چند گونه داده شده است. تنها "زبان علمی" گیاه شناسان تاحدی از این تعمیم مستثنی می باشد، زیرا که سالهاست که سعی دانشمندان گیاه شناسی بر این قرار گرفته است که به نام گذاری گیاهان سروسامانی داده شود و برای این منظور از زمان لینه، رسم قدیمی نامگذاری دواسمی در زبان علمی معمول شد

بیشتر گیاهان سمی ایران علفی و کوچک اندام هستند اما خرزهره از این قاعده مستثنی است زیرا با وجود اینکه گیاهی بسیار سمی است، علفی و کوچک اندام نمی باشد بلکه درختچه ای است دارای گل های خوشه بی و درشت و زیبا: خرزهره های ایران متعلق به دو گونه هستند: یک گونه گل سفید و گونه دیگر گل صورتی و هر دو گونه دارای ویژگی های همیشه سبز، درختچه ای و بزرگ اندام و سمی هستند.

اسم مناسب "خرزهره" هر دو اختصاص فیزیکی و شیمیایی گیاه را می رساند، چه بخش "خر" به معنای "بزرگ" برشته گیاه و بخش "زهرة" بر ویژگی شیمیایی آن دلالت دارد.

اخیراً به دلیل اینکه اسم پرمعنی مزبور به گوش برخی شنوندگان فارسی زبان که لفظ خر را دوست ندارند خوش نیامده است، پیشنهاد شد که آنرا با اسم دیگری جانشین کنند. این کار هم از طرف گروهی انجام شد و واژه های دیگری از گسترده زبان فارسی برگزیده شد که نامناسب بود. و برای اینکه زبانی از این گذرگاه نصیب زبان فارسی نشود، بحث زیر لازم تشخیص

و بدین ترتیب قرار شد برای هرگونه از گیاهان سراسر جهان یک نام علمی تدوین کنند که همه مردم جهان صرف نظر از زبان مادری در بحث و مقال علمی خود از آنها بهره مندگردند .

اسم هر گیاه در اغلب زبانها مانند هرواژه دیگری بر طبق یک قرارداد نانوشته بین اهل زبان از روزگارانی که قدمت آن در خاطره ها نمانده و در تاریخ ها مضبوط نیست ، وضع شده است . برای هرواژه یک قرار داد جداگانه تمهید شده است و هر چه زمان بر آن می گذرد ، محکم تر و استوارتر می شود .

واژه ها چه اسم گیاه باشند و چه نباشند ، ماننند گوهرهایی درخشانند و در هر یک آنها مقدار زیادی فضیلت نهفته است و به جرات می توان گفت که عزیزترین و گرانبها ترین محصول فکر بشری و کلید تفکراند و بدون آنها تمدن نمی تواند نضج بگیرد . این گوهرهای درخشان بسیار ارزش دارند ، لکن نه ارزشی مانند سنگ های قیمتی و نفیس ، بلکه مانند " زمان متبلور " شده بی قیمت و مجموعه آنها همراه با الگوهای جمله بندی زبان را تشکیل می دهند که نه متعلق به یک حکومت ، یک دستگاه ، یک قوم و قبیله ، یک ملت ، بلکه متعلق به همه اهل آن زبان مادری یا دیگرعلاقه مندانی می باشد که آنها مانند یک زبان دیگر یاد می گیرند و از آن بهره می برند .

اگر می گوئیم که زبان متعلق به هیچکسی و ملک انحصاری هیچ دستگاهی نمی باشد ، با آنچه در بالا گفته شده تناقض نیست چرا که زبان از آن همگان است ، یعنی خواه مردم کوچمو بازار و خواه برگزیدگان آنها در نسل های گذشته و در نسل های آینده . در واقع زبان رابط بین گذشتگان و آیندگان است و اکنون زندگان متولی آن هستند و باید از آن پاسداری کنند - به نحوی که آراسته و پیراسته شود . اگر برای مفهومی یا چیزی واژه ای وجود داشته باشد ، اصول اقتصاد زبان حکم

می کند که آنها ننگه داریم و همت خود را مصروف وضع واژه هائی کنیم برای آنچه وجود ندارد ، زیرا که مردم در برابر دگرگونی واژه ها مقاومت می کنند و همین مطلب درست است برای همه کوشش های مصرف شده درباره " مثلث " که " مثلث " مانده است و " مربع " که " مربع " مانده است و " خرزهره " که " خرزهره " می ماند و چه واژه مناسبی برای این گیاه زیبا که مبین دو ویژگی چشمگیر آن گیاه است .